



تجاوز به عنف به مثابه نقض حق سلامت جنسی زنان (مکانیسم های پیشگیرانه و مقابله ای در ایران و انگلستان)

محمد حاج علی اکبری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
mohammadhajaliakbari19@gmail.com

چکیده

تعرضات جنسی به عبارتی تجاوز به عنف امری جهانی بوده که در تمام کشورهای جهان کم و بیش مشاهده می‌شود. این گونه جرایم در اغلب موارد دارای تبعات منفی بر قربانی، تأثیرات متعدد سوء بر اطرافیان وی و نهایتاً اجتماع می‌باشد. قربانیان این دسته از جرایم دارای گستره وسیعی از اعمال مجرمانه و تعدی گرانه جسمی و در بروز این جرایم دخیل است و راهکارهای متفاوتی برای جلوگیری از وقوع آنها توسط حقوقدانان و جامعه شناسان ارائه شده است؛ اما یکی از اصلی ترین مسائل واکنش جامعه در برابر این دسته از جرایم این دغدغه را ایجاد می‌کند تا حقوقدانان و قانونگذاران سعی در تنظیم قواعد جامع و مانع در برخورد با این دسته از جرایم نمایند و لازمه این کار را مطالعه تطبیقی و تصورات موجود در نظام‌های کیفری مختلف و مقایسه مواضع اتخاذی توسط آنها برای بدست آوردن یک رویکرد مناسب و جامع و تصویب یک قانون بی‌نقص یا کم نقص برای واکنش در برابر وقوع این جرایم می‌دانند؛ تا بدین وسیله به شکل کارآمدتری جلوی ارتکاب این جرایم گرفته شود و هم به درستی به حمایت از حقوق و آزادی‌های قربانیان این تعرضات بپردازند.

کلید واژه‌ها: تجاوز به عنف، سلامت جنسی، زن، پیشگیری، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

مقدمه

انحرافات جنسی به عنوان یکی از انحرافات رفتاری از جمله پدیده‌هایی است که به اعتقاد برخی صاحب نظران عمری به درازای عمر بشریت دارد. غریزه ی جنسی موهبتی است خدادادی که نقشی بسیار مهم و تعیین کننده در بقای نسل بشر و شکل گیری عواطف انسانی و استحکام بنیان خانواده و متعاقب آن اجتماع دارد. بر همین اساس انکار این وجه مهم در وجود انسان امری ناصحیح و به دور از خرد خواهد بود. انسان همانند سایر غرایز مادی و معنوی خود نیازمند رفع دغدغه ها و نیازهای جنسی و تنشهای جسمی و روحی ناشی از آن است. بدیهی است که چنانچه این تمایلات در مسیر صحیح هدایت نشده و یا زمینه های تأمین صحیح آن در جامعه فراهم نشود، به بی ثباتی های روحی و روانی منجر شده و در قالب رفتارهای انحرافی بروز میکند. این مسأله به ویژه در کشورهای دارای فرهنگ شرقی و یا دارای نظام های حکومتی مذهبی که غریزهی جنسی و مسایل پیرامون آن همواره در پردهای از ابهام قرار داشته و بسیاری از افراد جامعه به دلیل منع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی به راحتی امکان ارضای این نیاز را ندارند بیش تر امکان ظهور مییابد. نکته ی حایز اهمیت و قابل بحث در این میان، جرم انگاری های صورت گرفته نسبت به برخی از انحرافات جنسی در این گونه جوامع است. وقتی سخن از جرم و مجازات به میان میآید، باید به اصول و مبانی حقوق کیفری، جرم شناسی و حقوق بشر گوشه ی چشمی داشت. این که یک جامعه در چه مواردی و تا چه حدی دارای حق مجازات شهروندان خود است از جمله مباحث فلسفی و حقوقی بسیار قدیمی و دیرپاست که تا امروز نیز همچنان ادامه دارد. اما آن چه که در حقوق کیفری مدرن و تحت تأثیر تحولات جرم شناختی به عنوان یک اصل در اعمال مجازاتها پذیرفته شده، دنبال کردن اهداف مجازاتهاست. به این معنی که مجازات زمانی سودمند و قابل اعمال است که دستیابی به هدف وجود خود را تأمین نماید. اینجاست که بحث مسئولیت کیفری و اصول و مبانی جرم انگاری دارای اهمیت فوق العادهای خواهد بود. جرم انگاری انحرافات، به ویژه انحرافات جنسی دارای نکات بسیار ظریفی است که میتواند به عنوان یک مرز بین شیوهی صحیح یا ناصحیح برخورد با انحرافات مورد شناسایی قرار گیرد. یکی از این موارد دشواری و چگونگی تشخیص رفتارهای انحرافی از غیر انحرافی است. این مسأله را در خصوص انحرافات جنسی نیز میتوان مشاهده نمود. امکان تعیین یک معیار واحد برای تشخیص انحرافات، به دلیل تفاوتهای زیستی، روانی، فرهنگی و اجتماعی انسانها بسیار مشکل است. از طرف دیگر معیارهای ارائه شده از سوی متخصصان برای شناسایی رفتارهای انحرافی دارای چارچوب و خط مشخصی نیست. بلکه این معیارها یک طیف و یک کیفیت بوده و نیازمند بررسی های دقیق بالینی و روانشناسی بر روی هر فرد هستند. به علاوه در بسیاری از موارد حتی در میان متخصصان مربوطه اتفاق نظر در خصوص انحرافی یا غیر انحرافی بودن یک عمل وجود ندارد که میتوان از همجنس‌بازی به عنوان یک نمونه نام برد. بر همین اساس بایستی در خصوص چگونگی احتساب مسئولیت کیفری مرتکبین آنها با دقت عمل کرد. مسأله‌های که به نظر میرسد چندان مورد توجه دست‌اندرکاران امور تقنین و قضای کشور ایران واقع نشده است. مشکلات

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



و نارسایی های نظام عدالت کیفری در کشورهای ایران، انگلیس که همچنان دوران رکود خود را طی کرده و بی توجه به تئوری های جدید حقوق کیفری و جرم شناسی بر اجرای نظام سنتی تعقیب جرایم پای میفشارد، موجب می گردد که عوامل مؤثر در وقوع جرایمی که ریشه ی انحرافی دارند نادیده گرفته شده و بدون توجه به یافته های جدید علمی، واکنشی یکسان در برابر منحر فین جنسی و مجرمین عادی اتخاذ گردد. دستاوردهای جدید علمی ثابت کرده اند که در برخی افراد، میان اراده ی تام و فقدان اراده حدّ وسطی وجود دارد که نه میتوان شخص را دارای مسئولیت مطلق دانست و نه میتوان او را فاقد مسئولیت فرض کرد. قایل شدن به مسئولیت تام منحر فین جنسی که یا فاقد اراده و یا دارای اراده ی نسبی هستند علاوه بر آن که مغایر با عدالت و انصاف است، در برآورده کردن اهداف مجازاتها نیز مثر ثمر نخواهد بود. زیرا به دلیل عدم توجه به خاستگاه بروز رفتار انحرافی مجرمانه و عدم پیگیری روند اصلاح و درمان، مجازات فرد منحر ف فاقد اثربخشی بوده و با توجه به باقی بودن عوامل بروز، امکان تکرار جرایم از سوی وی وجود خواهد داشت. چنین امری تنها صرف هزینه های گزاف برای تعقیب، محاکمه، اجرای مجازات و ... بدون کسب هیچ منفعتی را به دنبال دارد. بنابراین هدف از این پژوهش تلاش برای گشودن نگاهی جدید در این خصوص و نمایاندن کاستی های موجود در این زمینه با نگاهی علمی است.

بیان مسئله

مطالعه تاریخ زندگی بشر نشان دهنده این واقعیت است که از دیرباز، همواره میان انسان ها، روابط جنسی وجود داشته است. گاه این روابط به صورت قانونی و شرعی بوده است و عرف و عادت جامعه، برای آن احترام قائل بود و آن را امری عادی و حتی مقدس می دانست و گاه به صورت غیرقانونی و نامشروع بوده و برای آن مجازات مقرر می گشت. از جمله اموری که برای حفظ نظم اجتماعی و آسایش فردی لازم است، رعایت عصمت و به رسمیت شناختن تمامیت جسمی و حیثیتی افراد و همچنین عفت عمومی می باشد که در صورت تعدی قرار گرفتن، آثار زیانبار حیثیتی، روانی، جسمی و البته اجتماعی را به دنبال دارد. بدین سان، همواره در طول تاریخ نا بهنجاری های جنسی و تعدی به عفت عمومی مذموم و مورد تقبیح بوده و با آن به شدت برخورد شده است. ارتکاب جرایم به ویژه جرایم اخلاقی یکی از معضلات هر جامعه ای می باشد، در این میان جرایم خشن در رأس آنها تجاوز به عفت به واسطه تأثیر روانی که در ایجاد و حس ناامنی در جامعه و هتک حرمت و حیثیت در بزه دیده دارد از تأثیرگذارترین جرایم به شمار می آید هر جامعه دست کم نیمی از جمعیت خود یعنی زنان را به طور دائمی و بالقوه در معرض بزه دیدگی از آن جرم می بیند و به سبب همین موضوع است که گذشته از تأثیر دیدگاه ادیان و فرهنگ های مختلف در جرم انگاری جرایم اخلاقی همه کشورها در خصوص برخورد شدید با جرم تجاوز به عفت اتفاق نظر داشته و سنگین ترین مجازات را برای آن در نظر گرفته اند. یکی از حالت هایی که ممکن است در آن فردی قربانی رابطه جنسی ناخواسته شود حالتی است که وی در حالت مستی و بی ارادگی قرار داشته و تسلیم خواسته های شهوانی دیگران قرار گرفته باشد. از نظر قانون گذار انگلیس مهم آن است که در زمان رابطه جنسی قربانی در حالت مستی قرار داشته و نمی توانسته در برابر خواسته های نامشروع دیگران از خود مقاومت نشان دهد. طبق این رویکرد، فرقی نمی کند که مستی اختیاری یا اجباری باشد، بلکه مهم مست بودن زن در زمان برقراری رابطه جنسی با وی است. ولی از نظر قانونگذار ایران که در تبصره 2 ماده 224 بر آن تأکید شده، همانند رویکرد قانون گذار انگلستان مستی اختیاری یا اجباری تفاوتی ندارند، بلکه مهم است که پیش از مستی زن، مرتکب از قربانی تن دادن به رابطه جنسی را خواسته و قربانی نیز آن را رد کرده باشد. در این صورت چنانچه قربانی مست شود و در حالت مستی با او رابطه جنسی برقرار شود رفتار طرف مقابل چیزی جز تجاوز جنسی نخواهد بود؛ بنابراین، اگر از زنی چنین درخواستی صورت نگرفته باشد، ولی در حالت مستی اقدام به رابطه صورت بگیرد رابطه منکور عنوان تجاوز جنسی نخواهد داشت اعم از اینکه مستی آن زن اجباری باشد یا اختیاری. رویکرد قانونگذار انگلستان در این زمینه دقیقاً برخلاف عقیده قانونگذار ایران است.

آنچه در این تحقیق بررسی می شود مقایسه و مطالعه جرم تجاوز به عفت بوده و نقاط ضعف و قوت قوانین جزایی این دو کشور را بررسی کرده و سیر تحولات صورت گرفته در آنها را مورد مطالعه قرار می دهیم و نتیجتاً با ارائه پیشنهاداتی تلاش کنیم تا خلاء و موانع موجود در قوانین کشورمان را که، متأسفانه کم هم نیست، متذکر شده، امیدوار باشیم تا فتح بابی شود برای انجام مطالعات و پژوهش های بیشتر در خصوص این جرایم تا نهایتاً موجب اصلاح قوانین موجود شود. انحرافات جنسی به عنوان یکی از انحرافات رفتاری از جمله پدیده هایی است که به اعتقاد برخی صاحب نظران عمری به درازای عمر بشریت دارد. غریزه ی جنسی موهبتی است خدادادی که نقشی بسیار مهم و تعیین کننده در بقای نسل بشر و شکل گیری عواطف انسانی و استحکام بنیان خانواده و متعاقب آن اجتماع دارد. بر همین اساس انکار این وجه مهم در وجود انسان امری ناصحیح و به دور از خرد خواهد بود. انسان همانند سایر غرایز مادی و معنوی خود نیازمند رفع دغدغه ها و نیازهای جنسی و تنش های جسمی و روحی ناشی از آن است. بدیهی است که چنانچه این تمایلات در مسیر صحیح هدایت نشده و یا زمینه های تأمین صحیح آن در جامعه فراهم نشود، به بی ثباتی های روحی و روانی منجر شده و در قالب رفتارهای انحرافی بروز می کند. این مسأله به ویژه در کشورهای دارای فرهنگ شرقی و یا دارای نظام های حکومتی مذهبی که غریزه جنسی و مسایل پیرامون آن همواره در پرده ای از ابهام قرار داشته و بسیاری از افراد جامعه به دلیل منع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی به راحتی امکان ارضای این نیاز را ندارند بیش تر امکان ظهور می یابد.

نکته حایز اهمیت و قابل بحث در این میان، جرم انگاری های صورت گرفته نسبت به برخی از انحرافات جنسی در این گونه جوامع است. وقتی سخن از جرم و مجازات به میان می آید، باید به اصول و مبانی حقوق کیفری، جرم شناسی و حقوق بشر گوشه چشمی داشت. این که یک جامعه در چه مواردی و تا چه حدی دارای حق مجازات شهروندان خود است از جمله مباحث فلسفی و حقوقی بسیار قدیمی و دیرپاست که تا امروز نیز همچنان ادامه دارد. اما آن چه که در حقوق کیفری مدرن و تحت تأثیر تحولات جرم شناختی به عنوان



یک اصل در اعمال مجازات ها پذیرفته شده، دنبال کردن اهداف مجازات هاست. به این معنی که مجازات زمانی سودمند و قابل اعمال است که دستیابی به هدف وجود خود را تأمین نماید. اینجاست که بحث مسئولیت کیفری و اصول و مبانی جرم انگاری دارای اهمیت فوق العاده‌ای خواهد بود.

جرم انگاری انحرافات، به ویژه انحرافات جنسی دارای نکات بسیار ظریفی است که می‌تواند به عنوان یک مرز بین شیوه صحیح یا ناصحیح برخورد با انحرافات مورد شناسایی قرار گیرد. یکی از این موارد دشواری و چگونگی تشخیص رفتارهای انحرافی از غیر انحرافی است. این مسأله را در خصوص انحرافات جنسی نیز می‌توان مشاهده نمود.

در این تحقیق ابتدا تعرضات جنسی تعریف شده و محدود و دایره شمول آن مشخص می‌شود، سپس به سیر قانونگذاری و جرم‌انگاری این جرایم در نظام کیفری ایران، انگلستان با تاکید بر مبانی فقه اسلامی اشاره می‌کنیم و بعد از آن وارد مباحث حقوقی شده و از جایگاه حقوق جزای اختصاصی ماهوی به بیان احکام و شرایط عمومی و اختصاصی تمامی مصادیق تعرضات جنسی با توجه به قوانین گذشته و کنونی می‌پردازیم.

متغیرهای مربوط به سنوالات تحقیق

همانگونه که مشخص است در هیچ کدام از تحقیقات انجام شده به طور صریح جرم شناختی جرایم جنسی به عنف در حقوق ایران و انگلیس با تاکید بر مبانی فقه اسلامی سخن به میان نیامده است و همواره به صورت پراکنده و کلیشه ای به این موضوع اشاره شده است، با این تفاسیر در پژوهش حاضر، جهات قانونی و حقوقی موضوع مذکور با استناد به منابع کیفری دو کشور و مبانی فقه اسلامی معتبر بیان می‌گردد بنابراین این تحقیق در صدد آن است که چون موضوع مورد نظر در متن قوانین موضوعه ایران به اختصار بیان گردیده است این تحقیق می‌تواند نکات مبهم و مسکوتی که در قوانین موضوعه ایران است را رفع نموده و موانع موجود مرتفع گردد.

پیشینه تحقیق

کی نیا (1396)، در کتاب علوم جنایی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران بیان نموده: جرایم جنسی انواع مختلفی از رفتارهای جنسی را در بر می‌گیرد که برخی از آنها نسبتاً شایع بوده و اجتماع در مقابل آنان به تجاهل متوسل می‌شود، در حالی که جرایم جنسی شدید کمتر رخ داده، اما اجتماع قویاً آنها را مذموم شمرده و تقبیح می‌کند. همانطور که مستحضرید در کتاب حاضر به انواع جرایم جنسی پرداخته شده است و اظهار نظری در رابطه با جرم شناختی جرایم جنسی صورت نگرفته است. در حالی که تحقیق مدنظر ما در ارتباط با جرم شناختی جرایم جنسی به عنف بوده و در کل به صورت جامع هم به انواع جرایم جنسی و هم به جرم شناختی جرایم جنسی به عنف در حقوق ایران و انگلیس پرداخته شده است. ولیدی، محمدصالح، (1396)، در کتاب حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، تهران، انتشارات جاودانه به این نتیجه رسیده اند:

اصطلاح عمل منافی عفت عبارت از انجام کارهایی است که از نظر اکثریت افراد ملت با اصول اخلاقی و اعتقادات مردم منافات دارد. از قبیل تقبیل به معنای بوسیدن و مضاجعه به معنای بغل کردن برای ارضاء تمایلات جنسی بین زن و مرد نامحرم که به مرحله جماع از قبل یا دبر نمی‌رسد. به عبارت دیگر عمل منافی عفت غیر از جرائم منافی عفت نوعی رابطه جنسی است که منتهی به مواقعه نگردد. بدیهی است که رابطه جنسی مذکور لزوماً باید مادی و فیزیکی باشد. ولی در تحقیق حاضر هم به اعمال منافی عفت و هم به جرایم جنسی منافی عفت پرداخته شده است.

انصاری، مرتضی، (1398)، در کتاب مکاسب، قم، انتشارات مجمع الفکر اسلامی معتقدند:

اختلالات جنسی مبتنی بر ناتوانی در رسیدن به رابطه‌ی جنسی رضایت‌بخش بوده و در مردان شامل اختلالاتی مانند: انزال زودرس، انزال رو به عقب، انزال به تأخیر افتاده و غیره، و در زنان شامل اختلالاتی مانند: اختلالات میل جنسی، تحریک جنسی، و غیره است. در یک نگاه کلی به عقیده‌ی روان‌شناس‌ها انحراف جنسی عبارت است از: «اعمال و رفتارهای غیر عادی و نابهنجاری که منحرفین جنسی برای ترضیه‌ی خاطر جنسی مرتکب می‌شوند که این اعمال دارای مبادی و ریشه‌های روانی است. تفاوت تحقیق حاضر با کتاب مکاسب در این است که تحقیق ما برخلاف کتاب مکاسب به بررسی جرم شناختی جرایم جنسی به عنف در حقوق ایران و انگلیس می‌باشد این در حالی است که در کتاب مکاسب به تعریف اختلالات جنسی آن هم به طور مختصر پرداخته شده است.

گسن (1374)، در کتاب جرم شناسی نظری، مترجم: مهدی کی نیا، تهران، انتشارات مجد مقرر نموده:

مرتکبین جرایم جنسی در برخی از موارد تحت تأثیر مصرف الکل بوده‌اند به طوری که گفته شده است «بیش از نیمی از جرایم جنسی مربوط به الکل است» به طور کلی در جرایم خشن مثل قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی و تجاوز به عنف مصرف مشروبات الکلی تأثیر جدی دارد. گفته شده است که در انگلستان در 34 درصد تجاوزات جنسی الکل تأثیر مستقیم دارد. ارتباط تحقیق حاضر با کتاب جرم شناسی نظری در تطبیق حقوق ایران با انگلیس می‌باشد که در تحقیق حاضر سعی بر این خواهد بود که موضوع مطروحه به صورت کامل و جامع مورد بررسی قرار گیرد.

نیکسون (1377)، در کتاب فراسوی صلح، مترجم: سید محمدرضا رضایپور، تهران، انتشارات جامه نتیجه گرفته است:

تماشای پیاپی صحنه‌های غیراخلاقی از تلویزیون های انگلیس علاوه بر تحریک امیال جنسی و پایین آوردن میزان تقوی و خودکنترلی اشخاص، افراد را به سمت الگوگیری از این صحنه‌ها سوق داده و از طرف دیگر تماشای خشونت‌های جنسی از تلویزیون نگاه فرد را به عنوان شخصیتی ضعیف و مستحق خشونت شکل می‌دهد به طوری که همدردی با قربانیان خشونت دیگر معنا نداشته باشد. کتاب فراسوی صلح ارتکاب جرایم جنسی را صرفاً در رابطه با تماشای صحنه های غیر اخلاقی خشونت های



جنسی از تلویزیون پنداشته است ولی در تحقیق حاضر سعی گردیده که جرایم جنسی به را از تمام جوانب که منجر به ارتکاب جرم می گردد، مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف و ضرورت تحقیق

جرایم جنسی جزء قدیمی ترین جرایمی هستند که در اعصار بسیار کهن نیز وجود داشته و توسط اخلاق و مذهب به شدت نهی شده است. جرایم جنسی از جمله مسائل مهمی هستند که در شاخه ها و رشته های مختلف علوم جنایی همچون جرم شناسی قابل طرح و بررسی می باشند. در تعریف این گونه جرایم بین حقوقدانان علوم مختلف، تفاوت عقیده وجود دارد؛ اما به طور کلی می توان گفت جرایم جنسی شامل هرگونه رفتار های جنسی می باشند که با معیار های کم و بیش مورد قبول جامعه مغایرت داشته و غیر متعارف محسوب می شوند. جرایم جنسی از دیدگاه فقهی نیز قابل تحلیل و بررسی می باشند، زیرا بسیاری از انواع این جرایم در متون فقهی مورد تبیین و توصیف قرار گرفته و دارای حکمی خاص می باشند. امروزه بسیاری از جرایم جنسی از دیدگاه حقوق جزای ایران جرم بوده و قابل مجازات می باشند، اما رویکرد سیاست جنایی کشورهای غربی در این موارد، غالباً بر مبنای جرم زدایی یا تسامح استوار است.

مفهوم شناسی متغیرهای تحقیق

1- مفهوم جرم و تجاوز به عنف و انواع آن

1-1- مفهوم جرم

تبهکار بودن را روانشناسان به مسئله های شخصیتی و مسئله سازگاری یا عدم سازگاری شخص با هنجارهای اجتماعی منسوب مینمایند. باور پیروان روانشناسی مکتب فروید بر این بوده است که روان بطور اعم بر شخصیت بطور اخص دارای دو جنبه نا خداگاه و خود آگاه است.

تجربه های کودکی به ویژه ارتباط کودک با مادر نقش اساسی در رشد شخصیت فرد ایفا، میکند طبق این دیدگاه رفتار جنایی در درون انسان جای دارد و چنین رفتاری بیماری و ناسازگاری ایجاد می کند، فروید روانشناس: مجرم را فردی میبیند که خود ناقص و معیوب دارد. طبق نظر او خود از سه جنبه نهاد، من، فرامن تشکیل شده است.

نهاد: شامل تمایلات و احساسات ناخداگاه است، فرامن: وجدان و خواسته های مورد پسند جامعه است که در اثر آموزش و تربیت در فرد بوجود می آید. حد وسط این دو من قرار دارد قسمت آگاه و منطقی فرد که بیت نهاد و من برتر از یک طرف و از طرف دیگر با دنیایی واقعیت در ارتباط است و بین آنها تعادل برقرار می کند از دیدگاه فروید جرم در نتیجه یک من ضعیف که تحت کنترل نهاد در آمده و باعث احساس گناه در فرد شده بوجود می آید. الگوی طبیعی در هر احساس گناه یا ناراحتی افراد را از انجام خلاف باز می دارد این الگو در دوران کودکی وقتی نیازهای درونی و تکانه های خاص بویژه انگیزه جنسی و پرخاشگرایی در رشد می کند شکل می گیرد. بطور خلاصه روانشناسان پیرو مکتب فروید رفتار جنائی و مجرمانه را پاسخ به قسمتی از شخصیت می دانند که سرکوی شده است.¹

1-1-1- مفهوم جرم در حقوق ایران

از لحاظ لغوی دو واژه جرم و مجازات در اصل دو روی یک سکه محسوب می شوند و همانند دو ریل یک قطار به طور موازی در طول تاریخ بشریت در کنار هم قرار گرفته اند.

معنای لغوی جرم: جرم و جریمه از جرم، به ضم جیم: به معنی قطع کردن است. اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت، و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استفاده شده، که در نتیجه به معنای گناه و بزه تعبیر شده است. معنای لغوی کیفر و مجازات: کیفر عبارت است از سنگی که بر کنگره های قلعه می نهاندند و چون غنیم نزدیک می آمد بر سر او می کوفتند.

به عبارت دیگر، پاداش نیک و بد، مکافات و جزا، که بدین طریق مشاهده می گردد معنای لغوی این دو کلمه از معنا و اصطلاح حقوقی آنها به دور نمی باشد و در اصل، جرم همواره یک کنش بوده و مجازات یک واکنش برای دفع متجاوز. در بررسی این دو اصطلاح معلوم می شود که در میان تمام موجودات زنده و غیرزنده صرفاً کاربرد آن در خصوص موجود زنده ناشناخته به نام انسان مصداق دارد.

اگر موجودات این عالم خاکی را به زنده و غیر زنده تقسیم کنیم و موجودات زنده را به انسان ها و حیوانات تقسیم نماییم صرفاً انسان است که سه ویژگی غریزه، فطرت و عقل را توأمان دارد و نقطه مشترک انسان با حیوان نیز در غریزه می باشد و ریشه تمام جرایم از غریزه ناشی می شود، وقتی که بر عقل و فطرت غالب آید. پس غریزه همواره زمینه ارتکاب جرم را فراهم و ممکن می نماید و فطرت و عقل هم عوامل بازدارنده تلقی می شوند.² حقوقدانان و صاحب نظران هر یک به گونه ای جرم را تعریف نموده اند، اما قانونگذار در ماده (2) قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، به تعریف جرم پرداخته است: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.

1-1-2- مفهوم جرم در حقوق انگلیس

اصولاً یک جرم در کامن لا³ در حقوق انگلستان، تسبیب در خسارت کیفری محسوب می گردد. در زمان های گذشته، این جرم تا حدود زیادی به حمایت از دارایی افراد و مواد غذایی مرتبط بود و مجازات های ناچیزی جهت صدمه زدن به اموال افراد اعمال

¹ اردبیلی، محمدعلی، 1390، حقوق جزای عمومی، جلد 1، تهران، انتشارات سمت

² آصفهانی، راغب، 1416ق، المفردات الفاظ قرآن، دارالعلم و دارالاسلامیه، دمشق و بیروت، ج1 (دور جدید) ص 166

³ Criminal Damage



می شد و مسئولیت نیز اصولاً متوجه پرداخت خسارت از طریق جزای نقدی بود. در طول زمان، قوانین خاصی برای برخورد در موقعیت های گوناگون ارائه شد به گونه ای که این قوانین نیازمند تغییرات خاص بودند به ویژه به جهت افزایش شهرنشینی در طول انقلاب صنعتی شماری از قوانین موضوعه که جرایم آسیب کیفری را ایجاد نمودند، از نوع خاص اموال بودند که در مواد 8 و 7 در سال 1872 مطرح شده بودند (آسیب همراه با سونیت به اموال) که یکی از آن قوانین، موسوم به پیل بود. این قانون و شماری از قوانین بعدی در قانون خسارت کیفری 1861 انعکاس یافتند اما قانون 1971 چند جرم را که به حقوق اموال مرتبط است، جرم انگاری و برخی از آنها را دوباره تعریف نموده است. این قانون مفهومی جدید را که شامل قوانین مقدماتی که سنگین ترین جرایم غارت اموال و تسبیب در خسارت همراه با قصد به خطر انداختن جان افراد را دربرمی گیرد، ارائه می نماید و معمولاً مجازات ها در این قانون از مجازات ثابت تا حبس ابد متفاوت هستند و دادگاه ممکن است پرداخت جزای نقدی را به متضرر یا بزه دیده حکم نماید. در کتاب حقوق جزای انگلستان اثر «هاسبوری» جرم اینگونه تعریف شده است: «جرم عبارت از یک فعل یا ترک فعل غیرقانونی است که علیه عموم ارتکاب می یابد و شخص مجرم را بواسطه این فعل یا ترک فعل در معرض مجازات قانونی قرار می دهد». همچنین «گله نویل ویلیامز» در تعریف جرم می گوید: جرم عبارت است از یک خطای قانونی که می تواند توسط رسیدگی کنندگان مسایل کیفری مورد تعقیب قرار گیرد و در نهایت ممکن است منتهی به مجازات وی گردد. در حقوق اسلام جرم به یک سلسله محظورات شرعی اطلاق می گردد که خداوند به وسیله حد یا تعزیر از آنها منع کرده است.² در کنفرانس اجرائی حقوق کیفری اسلامی و اثر آن رد مبارزه با جرایم، جرم را اینگونه تعریف کرده اند: «جرم: مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است».³

1-2-1- مفهوم تجاوز به عنف

تجاوز به عنف، از قدیمی ترین جرایم در جوامع بشری است. با این حال، تعریف این جرم برخلاف انواع جرم شناختی آن، که همیشه و همه گاه ثابت بوده است، در طول سالیان اخیر و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برخی کشورها دچار تغییر شده است.

1-2-1-1- تعریف تجاوز به عنف در ایران

جرایم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از جرائم منافی عفت چه در قوانین سابق و چه در قوانین فعلی کشور تعریف نشده است و فقط در خصوص جرم عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس به موجب رأی وحدت رویه تعریفی ارائه گردیده و نظر به اینکه آرای وحدت رویه هم در حکم قانون می باشد لذا رأی فوق الذکر را بعنوان تنها تعریف قانونی از جرم عمل منافی عفت غیر از جرائم منافی عفت در ذیل بیان می کنیم: رأی وحدت رویه شماره 1189-1336/3/30 صادره از هیات عمومی دیوانعالی کشور: «منظور از عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس مذکور در ماده 208 قانون مجازات عمومی این است که با مجنی علیه اعمال منافی عفت غیر از مواقعه انجام شده باشد و الا ارتکاب مواقعه به عقب با زن یا دختر بدون رابطه زوجیت (اعم از قبل و دبر) هتک ناموس بوده و مشمول فراز اول بند الف ماده 207 قانون مجازات عمومی خواهد بود...».

1-2-2-1- تعریف تجاوز به عنف در انگلیس

به طور سنتی در نظام حقوقی کامن لا، تجاوز به عنف به معنای دخول آلت تناسلی مردانه در آلت تناسلی زنانه بدون رضایت زن و بدون وجود عقله زوجیت میان آنها بوده است.⁴ چنان که از این تعریف برمی آید، در کامن لای سنتی اولاً تنها مردان می توانستند به عنوان مرتکبان این بزه مطرح شوند؛ ثانیاً زنان منحصرأ بزه دیده تلقی می شده اند؛ ثالثاً تنها تجاوز مهملی مطرح بوده است؛ رابعاً دو مؤلفه نارضایتی زن به آمیزش جنسی و نیز نبودن علقه زوجیت میان طرفین نقش کلیدی داشته است. در قانون مجازات اسلامی 1392 همانند قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 به تبعیت از کتب فقهی، بزه با عنوان تجاوز به عنف جرم انگاری نشده است، اما می توان با توجه به دو عنوان مجرمانه «زنا به عنف» (ماده 225، بند د) و «لواط به عنف» (ماده 233) و با در نظر گرفتن تعاریف زنا و لواط مندرج در مواد 222 و 232 این قانون، تجاوز به عنف را در چارچوب قانون مجازات اسلامی چنین تعریف کرد:

هرگاه مردی به وسیله آلت تناسلی خود و با توسل به زور علیه زنی که در علقه زوجیت او نیست مرتکب دخول مهملی و یا مقعدی شود و نیز هرگاه مردی به وسیله آلت تناسلی خود با توسل به زور علیه مرد دیگر مرتکب دخول مقعدی شود، تجاوز به عنف واقع شده است. تعریف تجاوز به عنف در قانون مجازات اسلامی با تعریف سنتی کامن لا از این جرم، شباهت های بسیاری دارد از جمله اینکه بنا به هر دو تعریف، تنها مردان می توانند مرتکب این جرم شوند و همچنین وجود علقه زوجیت از تحقق تجاوز به عنف جلوگیری می کند. مهم ترین تفاوت به تجاوز مقعدی بازمی گردد؛ یعنی تجاوز مقعدی در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است، حال آنکه چنین امری در کامن لای سنتی وجود نداشته است.⁵ تعریف سنتی تجاوز به عنف در کامن لا، امروزه دچار دگرگونی شده است، هر چند این تحولات در تمامی نظامهای تأثیر پذیرفته از کامن لا به یک شکل نیست؛ در انگلستان و براساس قانون عدالت

¹. Peel

². عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی، مؤسسه الرسالہ، بیروت، چاپ سیزدهم، سال 1994، ج 1، ص 66.
³. گرجی، ابوالقاسم، گزارش علمی کنفرانس اجرائی حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، سال 1355، شماره 2، ص 126

⁴. Scheb, 1999: 121

⁵. آنریکو فری، جامعه شناسی کیفری، ص 215، 259 به نقل از همان، ص 226.



کیفری و نظم عمومی¹ مصوب سال 1994 میلادی، سه تغییر اساسی در تعریف این جرم به وجود آمد: جرم‌انگاری تجاوز مقعدی² در کنار تجاوز میهلی،³

1-3- انواع تجاوز به عنف

در متون جرم‌شناسی، انواع متفاوتی برای تجاوز به عنف بیان شده است که مهمترین آنها عبارتند از:

1-3-1- تجاوز به عنف توسط آشنایان⁴

در این نوع، بزه دیده و بزه‌کار با یکدیگر سابقه آشنایی دارند، خواه به دلیل پیوند سببی، خواه به خاطر رابطه نسبی و خواه به واسطه رابطه دوستی. برخلاف تصور رایج که ارتکاب چنین تجاوزهایی را نادر می‌پندارند، آمارها حاکی از آن است که مرتکبان حدود 50% از موارد تجاوز به عنف گزارش شده به مقامات رسمی، افرادی هستند که به نوعی با بزه‌دیده آشنا بوده‌اند.⁵ البته شماری از پژوهش‌ها حکایت از آمار 88% در این خصوص دارند.⁶ در طیف مقابل تجاوز به عنف توسط آشنایان، تجاوز به عنف توسط غریبه‌ها⁷ قرار دارد. در نوع اخیر، هیچ سابقه آشنایی میان بزه‌دیده و مرتکب وجود ندارد.

1-3-2- تجاوز دسته‌جمعی یا گروهی⁸

در تجاوز به عنف گروهی، دو یا چند نفر در یک مکان و در یک بازه محدود زمانی به یک یا چند نفر تجاوز می‌نمایند. این نوع از تجاوز به عنف معمولاً با خشونت فزونی می‌یابد.⁹ در مقابل تجاوز به عنف گروهی، تجاوز به عنف انفرادی قرار دارد که در آن فردی به تنهایی مبادرت به ارتکاب تجاوز به عنف می‌نماید. علاوه بر آنکه این امکان وجود دارد که تجاوز به عنف را با توجه به مقسمهای گوناگونی چون وجود یا عدم وجود سابقه آشنایی میان بزه‌دیده و بزه‌کار و یا تعداد بزه‌کاران به انواع مختلفی تقسیم نمود. همچنین می‌توان به طور ویژه و با در نظر گرفتن حالات و شرایط بزه‌کاران، طبقه‌بندی متفاوتی ارائه کرد.

1-4- انواع مرتکبان تجاوز به عنف

برای مرتکبان تجاوز به عنف طبقه‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد که در این گفتار به دو دسته از آنها اشاره می‌شود.

1-4-1- طبقه‌بندی گروث¹⁰ از متجاوزان به عنف

گروث در کتاب «مردانی که تجاوز می‌کنند»¹¹ مقرر می‌دارد: «در هر تجاوزی دست‌کم یکی از سه مؤلفه خشم، قدرت و سادیسیم وجود دارد. بنابراین می‌توان با توجه به این سه مؤلفه تجاوزها و متجاوزان را به سه گروه تقسیم نمود:¹²

1-4-1-1- تجاوز خشم محور¹³

علت اصلی این نوع تجاوز، خشم و ناراحتی است تا ارضای تمایلات جنسی.¹⁴ متجاوزان خشمگین از حجم بالایی از خشونت علیه بزه‌دیدگان استفاده می‌کنند. برخلاف تصور، هرچند بزه‌دیدگان این نوع تجاوز، در مقایسه با انواع دیگر تجاوز، متحمل میزان بیشتری از خشونت و آسیب‌های جسمی می‌شوند، از حیث سلامت روانی، صدمه کمتری می‌بینند؛ زیرا ایراد ضرب و شتم شدید از سوی بزه‌کار و نمایان شدن آثار آن روی بدن قربانی، همدردی اجتماعی با او را افزایش می‌دهد، در نتیجه میزان احساس شرم در این گروه از بزه‌دیدگان تجاوز به عنف در مقایسه با انواع دیگر کمتر است. گروث معتقد است که حدود 40% از تجاوزها و متجاوزان در این دسته جای می‌گیرند.

1-4-1-2- تجاوز قدرت محور¹⁵

در این نوع تجاوز، بزه‌کار خواهان استیلا جنسی بر بزه‌دیده خویش است. به عبارت بهتر، هدف اصلی تجاوز، به دست آوردن سلطه جنسی بر قربانی است. در این نوع نیز ارضای تمایلات جنسی مسئله اصلی نیست.¹⁶ بیشتر متجاوزان قدرت محور از خشونت استفاده ابزاری می‌نمایند، در نتیجه حجم خشونت استفاده شده نسبتاً کم است و این امر به نوبه خود منجر به افزایش میزان آسیب روانی بزه‌دیدگان می‌شود؛ زیرا با فقدان وجود آثار ضرب و جرح روی بدن قربانی، میزان حس ترحم و همدردی اجتماعی با وی کاهش می‌یابد و مسئله اثبات تجاوز نیز با مشکل روبرو می‌شود.¹⁷ گروث 55% از تجاوزها را در این گروه جای می‌دهد.¹⁸

1. Criminal Justice and Public Order Act.

2. Anal rape.

3. Clarkson, 2005: 195

4. Acquaintance rape.

5. Hagan, 2002: 221

6. Clarkson, 2005:195

7. Stranger rape.

8. Groth.

9. Vetten, 2005: 34

10. Groth.

11. Man who rape.

12. Siegel, 2003: 326

13. Anger rape

14. Ibid. :327

15. Rape power.

16. Hagan, 2002: 221

17. Siegel: 2003: 327

18. Hagan, 2002: 225



1-4-1-3- تجاور سادیستی¹

در این نوع تجاوز، دو مؤلفه خشونت و تمایلات جنسی در کنار هم قرار دارند؛ به این معنا که متجاوز، بزه دیده را شبیه کسی می‌پندارد که از او تنفر دارد. از این رو با ارتکاب تجاوز و شکنجه وی از خشم خود فرو می‌کاهد و در همان حال از انجام این عمل، لذت جنسی می‌برد،² تنها 5% از متجاوزان در این طبقه قرار دارند.³

1-4-1-2- طبقه‌بندی تلفیقی

با توجه به شواهد موجود و همچنین با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی گروث و نیز تقسیم‌بندی جان‌کنراد از مجرمان جرایم خشونت‌آمیز، می‌توان متجاوزان را به عنف را به چهار گروه تقسیم کرد:

افرادی که تحت تأثیر انگاره‌های فرهنگی، مرتکب این جرم می‌شوند. نمونه بارز چنین امری را می‌توان در فرهنگ‌هایی جستجو کرد که در آنها زنان به مثابه مایملک جنسی شوهران به حساب می‌آیند، در نتیجه مرد از نظر فرهنگی مجاز است تا هر زمان که اراده کند، بدون در نظر گرفتن رضایت و میل زن، با او رابطه جنسی داشته باشد. متجاوزانی که برای فرار از حالت تحقیر و سرخوردگی یا خشمی که به مناسبت و واکنش‌های اجتماعی دچار آن شده‌اند، مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند. بزهرکاری که به خاطر سرگشتگی اجتماعی مرتکب این جرم می‌شوند. به این معنا که در برخی از جوامع که در حوزه هنجارهای خلاق جنسی دچار مشکلاتی هستند، به دلیل بروز اشکال در رسیدن به تفسیر واحد از کنشها، امکان سوء تعبیر بالا رفته، در نتیجه امکان بروز تجاوز به عنف افزایش می‌یابد. گاهی امکان دارد که فردی، کنش شخص مقابل خود را به نوعی دعوت ضمنی به برقراری رابطه جنسی تلقی نماید حال آنکه مقصود آن فرد چیز دیگری بوده است. متجاوزان بیماری که به دلیل مشکلات روانی مرتکب این عمل می‌شوند. مصداق بارز آنها کسانی هستند که از آزار جنسی قربانی و نه انجام عمل جنسی با او لذت می‌برند. این اشخاص دچار سادیسم جنسی هستند.

تا دهه 1970 بیشتر جرم‌شناسان، علت اصلی وقوع تجاوز به عنف را در حرکات تحریک‌آمیز بزه دیده جستجو می‌کردند، اما امروزه این دیدگاه شدیداً به چالش کشیده شده است، به طوری که اعتقاد به این مسئله در زمره کلیشه‌های نادرست درباره تجاوز به عنف به شمار می‌آید که در گفتار بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

1-4-1-2-1- تجاوز به عنف، کلیشه‌های نادرست

درباره شماری از جرایم از جمله تجاوز به عنف، کلیشه‌های نادرستی وجود دارد، تصوراتی که در بسیاری مواقع، هم بر روی رفتار مردم عادی و هم بر روی رفتار و عملکرد نهادهای مسئول اعم از قضایی و انتظامی تأثیر می‌گذارد. در این گفتار، نخست، تعدادی از این کلیشه‌ها بررسی شده و سپس به مسئله آمار جنایی تجاوز به عنف پرداخته خواهد شد. تعداد و محتوای این کلیشه‌ها، با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر جامعه متفاوت است. اما به نظر می‌رسد که برخی از آنها جنبه همگانی‌تری داشته باشد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کلیشه نادرست: تجاوز به عنف یک عمل صرفاً جنسی است.

واقعیت: تجاوز به عنف یک عمل مطلقاً جنسی نیست، بلکه رفتار خشونت‌آمیزی است که در آن از اعمال و رفتارهای جنسی به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود.⁴

کلیشه نادرست: بیشتر متجاوزان به عنف، هیچ سابقه آشنایی با بزه دیده ندارند.

واقعیت: تحقیقات نشان می‌دهد که شمار قابل توجهی از تجاوزهای به عنف توسط کسانی انجام می‌شود که به نوعی با بزه دیده سابقه آشنایی دارند.

کلیشه نادرست: بیشتر مرتکبان تجاوز به عنف دچار مشکلات روانی و شخصیتی بوده و معمولاً به افشار فرودست جامعه تعلق دارد.

واقعیت: یافته‌ها حکایت از آن دارد که متغیرهایی چون سطح تحصیلات، نوع شغل و طبقه اجتماعی تأثیر معناداری بر ارتکاب یا عدم ارتکاب تجاوز به عنف ندارد.

کلیشه نادرست: تنها زنان خاصی در معرض بزه‌دیدگی تجاوز به عنف قرار دارند.

واقعیت: هر زنی به صورت بالقوه در معرض بزه‌دیدگی تجاوز به عنف قرار دارد.⁵

کلیشه نادرست: زنان با نوع لباس و آرایش خود، مرتکبان تجاوز به عنف را به ارتکاب جرم تحریک می‌نمایند.

واقعیت: علت بیشتر موارد تجاوز به عنف، چیزی فراتر از نوع لباس و نحوه آرایش بزه‌دیدگان است.

1-4-1-2-2- آمار جنایی و تجاوز به عنف

آمار جنایی در مورد تجاوز به عنف، چندان قابل اعتماد نیست؛ زیرا بسیاری از بزه‌دیدگان بنا به دلایلی همچون:

1. وجود سابقه آشنایی با بزهرکار؛ 2. ترس از ملامت عمومی و وقوع بزه‌دیدگی ثانویه در جریان دادرسی به معنای اعم؛ 3. ترس از انتقام‌جویی بزهرکار به دلیل بی‌اعتمادی به کارایی نهادهای مسئول در پیگیری قضیه و 4. عدم تلقی و تفسیر رفتار مرتکب به عنوان تجاوز از سوی بزه‌دیده به ویژه در مواردی که به نوعی میان بزه‌دیده و بزهرکار سابقه آشنایی وجود دارد، هر چند که بنا بر

¹ . Sadistic rape

² . Siegel, 2003,327

³ . Hagan, 2002: 225

⁴ . Duncan, 2005: 2

⁵ . Green, 2005: 1



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت اجتماعی و حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES

ضوابط قانونی تجاوز محسوب می‌شود. بنابراین درباره وقوع تجاوز به علف از سوی بزه دیده به نهادهای مسئول گزارشی ارائه نمی‌شود. در نتیجه رقم سیاه تجاوز به علف بسیار بالا و قابل توجه است.

1-4-2-3- ریشه‌های تجاوز به علف 1-4-2-4- اتومی اجتماعی

در هر جامعه‌ای، نظام هنجاری مورد وفاق، خواه در وجه اجتماعی و خواه در وجه اخلاقی دارای چهار نوع کارکرد می‌باشد: **تنظیم رفتار افراد:** از آنجا که هنجارها، الگوهای رفتار هستند، نظام هنجاری، رفتار افراد را از حیث آنکه هر فرد در هر موقعیتی چه رفتاری را باید انجام دهد، تعیین و تنظیم می‌نماید.

ایجاد همبستگی اجتماعی: وجود نظام هنجاری مورد وفاق، میزان شباهت افراد را به یکدیگر افزایش می‌دهد و هرچه شباهت افراد به هم بیشتر باشد، همبستگی اجتماعی قوی تر خواهد بود.

پیش‌بینی پذیرتر کردن رفتار افراد: پذیرش هرچه بیشتر هنجارها به عنوان الگوهای رفتاری از سوی مردم، کنش و واکنش آنها را در مقابل یکدیگر قابل پیش‌بینی‌تر می‌نماید.

قابل فهم‌تر کردن رفتار افراد: وجود الگوهای رفتاری مورد وفاق در سطح جامعه به مردم کمک می‌کند تا بهتر بتوانند کنشها و واکنشهای یکدیگر را درک و فهم کنند.

1-4-2-3-2- نظریه جامعه پذیری مردانه¹

در رابطه با تفاوت میان دو مفهوم جنس و جنسیت، گینز می‌گوید: «... به طور کلی، جامعه‌شناسان از اصطلاح جنس² برای اشاره به آن دسته از تفاوت‌های کالبدی و فیزیولوژیک استفاده می‌کنند که بدن مرد و زن را تعریف و مشخص می‌کنند». در مقابل جنسیت³ به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مذکرها و مؤنثها مربوط می‌شود. جنسیت به افکار و مفاهیمی درباره مردانگی و زنانگی مربوط می‌شود که به صورت اجتماعی برساخته می‌شوند و ضرورتاً محصول مستقیم جنس زیست‌شناختی فرد نیست. تمایز میان جنس و جنسیت تمایزی بنیادی است چون بسیاری از تفاوت‌های میان مذکرها و مؤنثها، اصل و منشأ زیست‌شناختی ندارند.⁴

در جوامعی که تصویر ارائه شده از «مردانگی» مبتنی بر صفاتی چون زورگویی، خشونت‌ورزی و سلطه‌گری باشد و در نقطه مقابل آن، «زنانگی» در لطافت، انقیاد و ابزار تولید مثل بودن خلاصه شود، پسران از کودکی می‌آموزند که می‌باید خشن، زورگو و مسلط باشند و زنان را به عنوان مایملک جنسی خود به حساب آورند. در چنین فرهنگ‌هایی بی‌بند و باری جنسی مردانه نه تنها عملاً با واکنش شدیدی از سوی جامعه روبه‌رو نمی‌شوند، بلکه در برخی مواقع به نوعی تشویق نیز می‌شود. در چنین جوامعی، مردانی که نتوانند از روشهای مورد قبول جامعه، خود را با الگوی مردانگی تطبیق دهند، برای اثبات مردانگی خود و نزدیک شدن به الگوی مقبول و موجود از «مردانگی» در جامعه، مرتکب تجاوز به علف می‌شوند.⁵

1-4-2-4- نظریه یادگیری اجتماعی⁶

براساس این نظریه، تجاوز به علف، مانند سایر جرایم خشونت‌آمیز، رفتاری آموختنی است؛ یعنی مردان از راههای گوناگون به ویژه از طریق ارتباط با گروه همسالان، رسانه‌های گروهی و ... راه و رسم و شیوه‌های تجاوز کردن را می‌آموزند. اصولاً در جوامعی که در آنها فرهنگ خشونت پر دامنه است و همه افراد از دولتمردان گرفته تا نخبگان غیردولتی، از سطح مدارس گرفته تا نشریات و رسانه‌های همگانی، خشونت را به نوعی تقدیس می‌نمایند، نرخ قتل و تجاوز به علف بالاست. بیروان نظریه یادگیری اجتماعی جرم در این حوزه بر تأثیر آثار پورنوگرافی بر نرخ تجاوز به علف تأکید زیادی دارند. از منظر ایشان با توجه به اینکه در آثار پورنوگرافی اولاً زنان به نوعی تحقیر می‌شوند و ثانیاً خشونت ورزی در انجام اعمال جنسی تلویحاً ترویج می‌شود، معتقدند کسانی که به صورت مکرر و مداوم به تماشای چنین آثاری می‌پردازند، مدلی از رابطه جنسی را به صورت امری عادی و طبیعی می‌پذیرند که در آن زنان همزمان مورد تحقیر و خشونت قرار می‌گیرند و پیاده کردن چنین الگویی در جهان واقع چیزی جز ارتکاب تجاوز به علف نیست.⁷

ناگفته نماند که در باره وجود رابطه مستقیم میان تماشای آثار پورنوگرافی و ارتکاب تجاوز به علف سه نظر وجود دارد و شگفت آنکه تمامی این نظرها به نوعی بر یافته‌های پژوهشی استوار می‌باشند. در حالی که گروهی معتقد به وجود رابطه مستقیم میان تماشای آثار پورنوگرافی و ارتکاب تجاوز به علف هستند، عده‌ای دیگر وجود چنین رابطه‌ای را مطلقاً انکار می‌نمایند و برای تأیید نظر خود به کشور ژاپن اشاره می‌نمایند؛ زیرا از یک سو آثار هرزه نگاری در این کشور بدون محدودیت قانونی در دسترس عموم قرار دارد. از سوی دیگر، نرخ تجاوز به علف در ژاپن پایین است. اما شمار دیگری از پژوهشگران، با تقسیم آثار هرزه نگاری بر اساس محتوای آنها به دو دسته خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، بر این اعتقادند که میان تماشای آثار هرزه نگاری با محتوای

1. Male socialization.
2. sex.
3. Gender.

4. گینز، آنتونی، 1386، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات نی، ش156.

5. Siegel, 2003: 329
6. Social Learning theory.
7. Baron, 1987: 469



خشونت‌آمیز و ارتکاب تجاوز به عنف رابطه مستقیم وجود دارد، حال آنکه چنین رابطه‌ای در خصوص تماشای آثار هرزه نگاری غیرخشونت‌آمیز وجود ندارد.¹

اصولاً هر یک از این نظریه‌ها، به تنهایی قادر به توضیح بی‌کم و کاست علل وقوع تجاوز به عنف نیست، بلکه تبیین دقیق‌تر به منظور دستیابی به تدوین یک راهکار جامع پیشگیری نیازمند ترکیب این نظریه‌ها و به کارگیری مدلی ترکیبی از انواع پیشگیری‌هاست که به آنها پرداخته خواهد شد.

1-5- پیشگیری از تجاوز به عنف

بر اساس دیدگاه تونری² و فرنگتون³، اصولاً چهارگونه پیشگیری از جرم وجود دارد که عبارتند از: پیشگیری وضعی، پیشگیری رشد مدار، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری کیفری⁴. آنها همچنین بر این اعتقادند که هیچ یک از روشهای مذکور به تنهایی از کارآمدی لازم برخوردار نیست و تنها زمانی می‌توان در مورد هر جرم، به پیشگیری مؤثر دست یافت که به طور توأمان از هر چهار نوع روش پیشگیری استفاده شود، در نتیجه مدل پیشنهادی تونری و فرنگتون، عبارت است از: استفاده همزمان از هر چهار گونه پیشگیری یاد شده در مورد جرم. از جمله تجاوز به عنف که در این گفتار به بررسی آن خواهیم پرداخت.

- پیشگیری وضعی از تجاوز به عنف
- پیشگیری رشد مدار از تجاوز به عنف
- پیشگیری اجتماعی از تجاوز به عنف
- پیشگیری کیفری از تجاوز به عنف

ارکان تشکیل دهنده تجاوز به عنف در حقوق ایران و انگلستان

2- مشترکات تجاوز به عنف در ارکان تشکیل دهنده جرم

جرم تجاوز به عنف یکی از جرایم خشن همواره و در همه اعصار مورد نفرت بشر بوده و مورد مجازاتی سخت قرار می گرفته است. در واقع تجاوز به عنف یکی از جرایم طبیعی است که آدمی ذاتاً و فطرتاً آن را مذموم می شمارد و با نظام زندگی سالم اجتماعی همواره در تناقضی سخت و سازگار ناپذیر است.⁵

1-2- ارکان تجاوز به عنف

پس از ارائه تعاریف لازم است گذری بر عناصر تشکیل دهنده بزه تجاوز به عنف داشته باشیم. می‌دانیم که همه جرایم دارای سه رکن قانونی، مادی و روانی هستند و برای اینکه بتوان شخصی را به ارتکاب جرمی محکوم نمود ابتدا باید اثبات کرد که هر سه رکن جرم به شکل صحیح و در لحظه ارتکاب عمل مجرمانه وجود داشته است؛ به عبارت دیگر باید مقتضی محکومیت موجود و موانع موقوف باشد تا بتوان کسی را که عملی متضمن نقض قانون جزا از او سر زده است، به تحمل مجازات آن محکوم کرد.⁶

1. رکن قانون
2. رکن مادی
3. رکن روانی

2-2- ارکان تجاوز به عنف در حقوق انگلستان

قانون جرایم جنسی⁷ انگلستان مصوب سال 2003 میلادی، یکی از کاملترین قوانینی است که در حوزه جرم انگاری جرایم جنسی تدوین شده است. قانون مذکور با شناسایی کامل رفتارهایی که احتمال وقوع آن در حیطه اعمال جنسی می رود، سعی نموده تا تمام شقوق این فعل مجرمانه را جرم انگاری کند.

1. رکن قانونی
2. رکن مادی⁸
3. رکن روانی⁹

مبنای ضرر در تجاوز جنسی با رویکرد فقهی

یکی از مهم ترین مبنای جرم انگاری، مینا یا اصل ضرر (صدمه) است که در بسیاری از نظام های حقوقی، به عنوان مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی پذیرفته شده است. در این قسمت با اشاره به مهمترین نظریه های جرم انگاری از قبیل اصل ضرر، پدرسالاری قانونی و اخلاق گرایی قانونی، به بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری «تجاوز جنسی» می پردازیم. مقصود از «ضرر» صدمات جسمانی، روانی و اجتماعی است که بزه دیده متحمل میشود. قربانی تجاوز جنسی، خانواده وی، جامعه و شخص متجاوز جنسی نیز آماج این ضررند.

¹ . Hagan, 2002: 470

² . Tonry.

³ . Farrington.

⁴ . Muncie, 2006: 87

⁵ . آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو 1383، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.

⁶ . اشوری، محمد، 1376، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش، ص 142.

⁷ . Sexual Offences Act ,2003

⁸ . actus rea

⁹ . mens rea



اصل صدمه در قرائت لیبرالیستی و تطبیق با قاعده لاضرر در فقه

حال در این قسمت به تطبیق اصل صدمه در قرائت لیبرالیستی، با لحاظ صدمات شرح داده شده پیشین، و سپس به بررسی قاعده لاضرر، و استنتاج منع و لزوم جرم‌انگاری آن، از سوی قوای حاکم می‌پردازیم.

اصل صدمه در قرائت لیبرالیستی

همانطور که پیشتر اشاره شد، اصل ضرر، مبین این امر است که برای قلمرو دخالت قوای عمومی در رفتارهای مردم حد و مرزی، باید قائل بود، اصل ضرر در واقع معین کننده این حد و مرز است؛ بدین صورت که، «تنها رفتارهایی باید ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر برساند»¹.

1. قاعده لاضرر در فقه
2. دلالت‌های قاعده لاضرر
3. تزامم قاعده تسلط و لاضرر

ملحقات مجازات در جرم تجاوز به عنف

قانونگذار ایران نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 به تاسی از کتب فقهی و بر اساس رویه ای که فقها در بحث زنا ترتیب داده اند به تدوین قوانین موضوعه در ارتباط با آن موضوع پرداخته است. اما شایسته بود قانون گذار به عنوان متصدی تنظیم مقرراتی که برقراری نظم و حل معضلات و مشکلات را در جامعه تضمین می کند دقت بیشتری می نمود و به تنظیم قواعد واضح تری همت می گمارد.

کیفیت مخففه جرم تجاوز به عنف

- تخفیف مجازات
- تعلیق اجرای مجازات
- آزادی مشروط
- معاذیر معاف کننده
- عفو یا بخشودگی
- مرور زمان اجرای مجازات

کیفیات مشدده در جرم تجاوز به عنف

ماده مهم دیگر که باید به آن اشاره کنیم ماده 223 است که هر گاه متهم به زنا مدعی زوجیت یا وطی به شبه باشد ادعای وی بدون بین یا سوگند پذیرفته می شود مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

در فقه هم همین گونه است؛ برای نمونه، راهزن ها و یا کسانی که به وسیله سلاح، اعم از سرد یا گرم راه را بر مردم می‌بندند، مجازات سنگینی دارند و یا کسانی که در جامعه ایجاد رعب و وحشت می کنند. در این موارد، افزون بر حق الناس، ایجاد بی‌نظمی اجتماعی، جرمی جداست که مجازات سنگینی دارد. از لحاظ عقلی نیز چنین برخوردی با مجرمان منطقی است، حال آن که امنیت، مهمترین مقوله‌ای است که جامعه به آن نیاز دارد؛ بنابراین، باید با افرادی که با ایجاد رعب و وحشت محل امنیت و نظم جامعه می شوند، برخورد شود. در مورد اعمال منافی عفت، قانونگذار جداگانه بحث کرده است و در مواردی که تجاوز به عنف صورت می گیرد، قانونگذار به شدت برخورد و مجازات اعدام را تعیین کرده است. در این قانون در تجاوز به عنف خیلی شدیدتر از گذشته برخورد می شود. مثلا اگر کسی فردی را گول بزند و یا مثلا مشروب بدهند و تجاوز کنند از مصادیق عنف شمرده می شود².

کیفیات مشدده عام

- تعدد جرم
- کیفیات مشدده خاص

عوامل بروز جرایم جنسی به عنف و راههای پیشگیری از آن در حقوق ایران و انگلستان

۳- عوامل موثر بر وقوع جرایم جنسی به عنف

بدون ریشه یابی عامل وقوع جرم، نمی‌توان انتظار دست یابی به تدابیر صحیح و کارآمد پیشگیرانه را داشت. مورد تعرضات جنسی نیز برای اتخاذ تدابیر مناسب در جهت کاهش این خشونت عوامل مؤثر بر آن را شناخت. بی‌شک انگیزه ارضاء میل جنسی در این جرم، عمده‌ترین محرک ارتکاب جرم است. هر چند شدت و ضعف آن و میزان تأثیر عوامل دیگر در انواع مختلف تعرضات جنسی، بسته به ویژگی‌های مرتکب، بزه دیده و حتی نوع جامعه متفاوت است. برای مثال تأثیر میل جنسی در وقوع تجاوز در مواردی که مرتکب تحت عنوان مسافرکش دختران جوان را سوار می‌کند و دور از شهر به آنها تعرض می‌کند،³ به مواردی که مرتکب به جهت انتقام‌جویی از جامعه به کودکان تعرض می‌کند و بعد آنها را بی‌رحمانه می‌کشد متفاوت است. به هر حال تمایلات جنسی در کلیه تجاوزات جنسی دخالت دارند. اما در این که میزان این انگیزه و تأثیر محرک‌ها و عوامل دیگری چون خشونت و برتری جویی متجاوز و یا حتی نفرت او از بزه دیده در چه حدی بوده می‌توان به نکاتی از جمله صحبت‌های متجاوز با قربانی در حین ارتکاب توجه کرد. متجاوزی که در حین تجاوز قربانی را تحقیر نموده و به او فحاشی می‌کند، از متجاوزی که سعی در جلب

1. برهانی، محسن، 1388، «سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، ص 18.
 2. صارمی، نوذر امین، انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ‌های معارض، تهران، نشر دانشگاه علوم انتظامی، 1380، چاپ اول.
 3. نرم‌افزار لوح حق، 1387 معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نسخه چهارم، بهار.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان‌شهرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



رضایت قربانی دارد و یا با بعضی اظهارات و حرکات سعی در نشان دادن ادب و علاقه به قربانی دارد، کاملاً متفاوت بوده و میزان لذت جویی هر کدام متفاوت است.¹

شاید بتوان گفت که میزان تأثیر انگیزه ارضاء جنسی در جوامعی مثل ایران، که روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج ممنوع و جرم تلقی شده در بروز تجاوز، بیشتر از جوامعی است که حتی مراکز مخصوص و دارای مجوز برای روابط جنسی غیرزناشویی دارند. به همین دلیل است که تحقیقات انجام شده در غرب نشان می‌دهد که «در بیشتر موارد انگیزه تجاوز، ارضاء جنسی نبوده بلکه بیشتر تحقیر، مرعوب کردن و سرافکنندگی قربانی بوده»² و پس از آن نیز متجاوز قربانی را از طرق مختلف تحقیر و مجروح کرده و حتی به قتل او نیز منجر شده است.

به هر حال اظهار نظر قطعی در مورد میزان تأثیر غلبان شهوت و میل جنسی در وقوع تعرضات در کشور ما، با توجه به فقدان آمار جامع و رسمی، امری بعید است. اما ما در بررسی علل وقوع تعرضات جنسی با مفروض گرفتن تأثیر جدی تمایلات جنسی ابتدا به بررسی نقش عوامل فردی یا شخصی پرداخته و سپس عوامل بیرونی یا غیرمستقیم را تحت عنوان عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در افزایش میزان وقوع این جرم مورد بحث قرار می‌دهیم. چرا که میل جنسی امری طبیعی و مبتلا به تمامی افراد جامعه است و باید به این پرداخته شود که به چه دلیل برخی افراد به چنین رفتارهای غیرمتعارفی روی می‌آورند.

3-1- عوامل شخصی (مستقیم)

منظور از عوامل شخصی عواملی است که مربوط به شخص بزه‌کار بوده و به عبارتی از خصوصیات فردی و شخصیتی وی محسوب شده و یا به طور مستقیم در گرایش او به سمت این بزه تأثیر داشته است. این عوامل را می‌توان شامل دو دسته عوامل روانی - شخصیتی و اختلالات جنسی تقسیم‌بندی کرد.

- اختلالات روانی شخصیتی
- اختلالات جنسی
- اختلال عملکرد جنسی
- اختلالات رفتاری جنسی (پارافیلیا)

3-2- عوامل اجتماعی و فرهنگی (غیرمستقیم)

امروزه هیچ کس نقش مؤثر و پررنگ محیط اجتماعی و ارتباطات پیرامونی افراد را در بزه‌کاری آنها انکار نمی‌کند. دورکیم علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و برخی چون لاکاسلنی در این راستا چنان افراط کرده‌اند که می‌گویند: (تمام مردم دنیا به استثناء جنایتکاران مقصرند!)³ کهن (cohen) و اهلاین (ohlein) معتقدند جرم شکل خاصی از راه حل جمعی اتخاذ شده و به وسیله طبقه پایین است که از سرخوردگی ناشی می‌شود. به عقیده این دو جامعه‌شناس تیپ خاصی از بزه‌کاران تحت عنوان گروه ستیزه جو وجود دارند که به جرایم هتک ناموس می‌پردازند و آن را وسیله ای برای برقراری پایگاه اجتماعی قرار می‌دهند.⁴

شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی محیط زندگی، میزان آموزش و آگاهی و درک روابط صحیح اجتماعی، نابسامانی‌های محیط خانواده مثل طلاق و اعتیاد والدین و مسائلی از این دست در کشور انگلیس تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی بزه‌کار دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

3-3- ناهنجاری‌های اخلاقی و ضعف تقیدات دینی در جامعه

کودکانی که در یک محیط فاسد و ناسالم رشد و پرورش بیابند تحت تأثیر اطرافیان روحیات و شخصیت آنها شکل گرفته و نهنجارها و ناهنجاری‌های همان محیط را الگو می‌گیرند. پرورش در محیطی که بی‌بندوباری جنسی و عدم رعایت قیود مذهبی از شاخصه‌های آن است شخص را به سمت انحرافات و جرایم جنسی سوق دهد و نمی‌توان انتظار کنترل و رعایت تقوی را از تمام افرادی داشت که پیوسته در معرض تحریک چنین فضایی بوده‌اند. تأکید دین مبین اسلام بر حجاب و عفاف عمدتاً در راستای سالم‌سازی محیط اجتماعی بوده و سفارش اسلام بر کنترل صحیح روابط اجتماعی و حتی ارتباطات کلامی زن و مرد هوشمندانه و هدفمند بوده که در مبحث پیشگیری بیشتر به آن خواهیم پرداخت. اما در گسترش جرایم و انحرافات جنسی در جامعه جدای از ضعف تقیدات دینی و مذهبی نقش مشروبات الکلی و همچنین رسانه‌ها در کشور انگلیس جدی و مؤثر است که به آن می‌پردازیم.

- الکل
- نقش رسانه‌ها
- مشکلات اقتصادی و فقر
- خانواده

3-4- راه‌های پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی جرایم جنسی

امروزه پیشگیری از وقوع جرم دغدغه اصلی صاحب‌نظران در علوم جنایی و از مهمترین اهداف یک سیاست جنایی کارآمد است. پیشگیری از بزه دیدگی نیز گرچه لزوماً و در تمامی روش‌ها مستلزم پیشگیری از بزه‌کاری نیست، اما آنچه مسلم

¹ . چارلز سوانسون، پیشین، ص 413 به بعد

² . ر.ک: اوحدی، بهنام، 1380، تمایلات جنسی انسان، اصفهان نشر مؤلف، ص 321

³ . مساواتی آذر، مجید، جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز، نشر نوبل، 1374، چاپ اول، ص 21.

⁴ . همان، ص 30.



است نتیجه بلافصل پیشگیری از بزهکاری خواهد بود. تقسیم‌بندی‌های مختلفی پیرامون انواع پیشگیری مطرح شده است که از جمله آنها تقسیم‌بندی به پیشگیری اولیه، ثانویه و نوع سوم می‌باشد.¹ همچنین بسته به رویکردی که سیاست جنایی در مواجهه با بزهکاری دارد پیشگیری کیفری، اصلاحی و وضعی تقسیم‌بندی کرده‌اند،² که توضیح پیرامون هر کدام از این روش‌ها از موضوع بحث ما خارج است. در بحث جرایم جنسی روش‌های پیشگیری و کاهش درصد بزهکاری و احتمال بزه دیدگی باید با توجه به عوامل و زمینه‌ها باشد. ضمن اینکه چون موضوع پژوهش ما بزه دیدگان جرایم جنسی هستند توجه ما بر روی روش‌هایی متمرکز است که بیشتر ناظر به بزه دیده است. البته نکته‌ای که در اینجا لازم است به آن اشاره کنیم این است که پیشگیری کیفری نیز از جمله روش‌های پیشگیری از بزهکاری مطرح شده و چه بسا یکی از اهداف تعیین مجازات سنگین برای متجاوزین به عنف در بسیاری از کشورها جنبه ارعابی و بازدارندگی آن باشد. لیکن ما ضمن اینکه در بخش دوم و در ارزیابی قوانین و رویه قضایی اشاره‌ای کوتاه به این موضوع خواهیم داشت در این مبحث به پیشگیری خاص از جرایم جنسی که منصرف از پیشگیری واکنشی و کیفری³ است، می‌پردازیم.

در پیشگیری اصلاحی با اجتماعی مهمترین تأکید، شناخت علل فردی و اجتماعی جرم و برطرف کردن آنها می‌باشد. این دیدگاه با پیشگیری نخستین یا اولیه از جرم منطبق است (مدعی مبارزه با علت و خشکاندن ریشه جرم است).⁴

پیشگیری اخلاقی یا اجتماعی

در جرایم جنسی چنان که در مبحث قبلی گذشت عوامل مختلف فردی و اجتماعی از جمله مشکلات شخصیتی مرتکب، نابسامانی خانواده، محیط ناسالم اجتماعی و غیره دخیل هستند و توجه به این عوامل باید مبنای پیشگیری از بزهکاری باشد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

- حل نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی (فقر - اعتیاد - بیکاری)
 - نقش تربیتی خانواده و ازدواج
 - گسترش ارزش‌های اخلاقی و دینی و مبارزه با ناهنجاری‌های فرهنگی
- پیشگیری وضعی
 - محافظت از آماج‌های جرم
 - آموزش آگاهی بزه‌دیدگان در جهت اجتناب از وضعیت‌های جرم‌زا
 - پرهیز از تحریک بزهکار توسط بزه‌دیده

بحث و نتیجه‌گیری

انسان موجودی آزاد و مختار خلق شده است و تفاوت او با سایر مخلوقات، عقلی است که پروردگار به او عطا نموده و بدین سبب او را خلیفه و جانشین خویش در زمین قرار داده است. عقل و اختیار این امکان را فرا راه آدمی قرار داده است که طریق زندگی خود را آنگونه که می‌خواهد برگزیند، اما علیرغم وجود این امکان برای بشر، نمی‌توان از مسایلی که شکل‌دهنده تصمیمات و گزینش‌های اوست چشم پوشید. یکی از عوامل بسیار مهم که نقشی بسزا در شیوه زندگانی انسان دارد و همه رفتارهای او را جهت می‌بخشد، محیط اجتماعی است که هر کس در آن خود را می‌شناسد و خویشتن را متعلق به آن قلمداد می‌کند، صرفنظر از اینکه آن موقعیت را مطلوب بداند یا خیر- بنابر همین امر تبیین‌های مختلفی در خصوص رفتارهای بشر صورت گرفته است که دسته‌ای از آن مربوط به تفسیرهایی است که جرم‌شناسان در باب علل مختلف ارتکاب جرم به دست داده‌اند. به هر حال انسان موجودی است اجتماعی و در این اجتماع بسیاری از رفتارها آموخته می‌شود. نیازهای فراوانی وجود دارد که افراد جامعه در ارتباط با یکدیگر قادر به رفع آنها خواهند بود و... انسان موجودی است جاه‌طلب و طبیعی که می‌خواهد همه امکانات موجود را در اختیار داشته باشد؛ خاصه اگر ببیند افراد دیگر موفق شده‌اند آنچه را او در صدد رسیدن به آن است، به دست آورند. بنابراین، این انگیزه در او تشدید می‌شود که راهی برای رسیدن به آنچه می‌خواهد بیابد. با توجه به تعاملی که میان اعضای یک جامعه برقرار است و آموزش‌های رفتاری بسیاری که در این تعاملات اتفاق می‌افتد، گروهی یاد می‌گیرند که ابزار صحیح برای رسیدن به خواسته خود استفاده کنند و یا حتی به نفع نظم اجتماعی از برخی خواسته‌هایشان که متضمن ایراد ضرر به دیگران است چشم‌پوشی کنند و در مقابل گروه دیگر راه را تنها در نقض هنجارها می‌دانند و بر این باور هستند که باید از هر طریق ممکن حق خود را از اجتماع بگیرند، حتی اگر فرد یا افرادی آسیب ببینند و فراتر از این اگر خود را ناتوان از احقاق حق مورد نظر خود ببینند، درصدد برمی‌آیند که تنها ضرری بزنند و انتقام بگیرند؛ چرا که چنین اجتماعی از نظر اینان ارزشی ندارد.

مسئله مهم این است که نمی‌توان همانند قرون پیشین، فرد را به تنهایی مسئول اعمال خود دانست و او را سرزنش و مجازات کرد بدون آنکه عوامل مؤثر بر رفتار او را از نظر دور نگاه داشت؛ همانطور که مقصر دانستن به تنهایی در قبال اعمال مجرمانه دور از صواب است. عمل مجرمانه در تعامل مستقیم فرد با جامعه شکل می‌گیرد و علل گوناگونی در نوع اعمال مجرمانه ارتكابی و افزایش و کاهش آن نقش دارد.

1. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم‌شناسی، فصلنامه پژوهشی مجد، شماره اول، ص 85.

2. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، ص 279

3. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، 1381، تقریرات جرم‌شناسی دوره کارشناسی رشد، مجتمع عالی قم، ص 13.

4. صفاری، همان، ص 280.



«کشته هم از برای کشته شدن خود پاسخگوست و دزد زده هم از برای دزددگی خود بی تقصیر نیست. راستکاران از خطای نابکاران بری نیستند و پاک دستان دستشان به گناه ناپاکان آلوده است. آری، ای بسا آسیب رسان که از آسیب دیده ستم کشیده است و ای بسا بیشتر که محکومان بار گناه بی‌گناهان و آسودگان را به گردن گرفته‌اند. شما کی می‌توانید دادگران را از ستمگران و خوبان را از بدان جدا کنید؟ زیرا که آنها در برابر آفتاب کنار یکدیگر ایستاده‌اند، همچنان که ریسمان سیاه و ریسمان سفید به هم تابیده‌اند و هرگاه که ریسمان سیاه پاره شود، بافنده تمام پارچه را می‌نگرد و دستگاه بافندگی را هم از نظر دور نمی‌اندازد».

1- در بسیاری از نظام‌های حقوقی، «اصل ضرر» به عنوان مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت پذیرفته شده است. طبق این اصل (معیار)، اعمالی که به طور مستقیم به سایرین ضرر می‌رساند اعمال مربوط به دیگران نامیده می‌شود و هدف قانونی نظارت حقوقی و اجتماعی است. بدین ترتیب تنها نگرانی اصل صدمه، آسیب رساندن به دیگران است. و به طور نوعی، جوامع، رفتارهایی را غیرقابل تحمل می‌دانند که آسیب و صدمه مشهودی را برای فردی از افراد یا کل جامعه در پی داشته باشد.

2- تحلیل ضرر در جرم تجاوز جنسی در سه حوزه قابل بررسی است: الف) ایراد صدمه به تمامیت جسمانی: خشونت به عنوان جزء لاینفک تجاوز جنسی، آثار زیان‌باری بر عرصه جسمانی قربانی به بار می‌آورد؛ ب) ایراد صدمه به تمامیت روانی: بیشترین و ماندگارترین آسیب خشونت در تجاوز جنسی در حوزه روح و روان قربانی وارد می‌شود؛ ج) ایراد صدمه به هویت اجتماعی: آسیب دیدگی بزه دیده در حوزه اجتماع، نارسایی وی در ایفای نقش عضویت جامعه و واکنش جامعه در مقابل این نارسایی است، در واقع فردی که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد، زمینه فسادپذیری بیشتری برای نیل به انحرافات اجتماعی دارد. چنین فردی که نه از منزلت و هویت اجتماعی برخوردار است و نه از طرف یک نهاد اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرد راهی جز ادامه مسیر منحرفانه بر خود هموار نمی‌بیند. در واقع می‌توان گفت: اساسی‌ترین پیامد این قربانیان تجاوز جنسی، طرد شدن از اجتماع است.

در مورد عنصر رضایت نداشتن، عنوان تجاوز، عنصر عدم رضایت قربانی را در مسیر مستتر دارد، رضایت فرد، به عنوان طیب خاطر و رضای کامل باطن، در تجاوز جنسی نادیده گرفته می‌شود، در واقع رضایت، توافق آزادانه فرد برای برقراری رابطه جنسی است که به محض عدم وجود آن در هر مرحله، عنوان تجاوز، مصداق پیدا کند. در حقوق اسلامی است؛ این تفاوت، از دو دیدگاه مغایر نشأت می‌گیرد که یکی روابط جنسی را منحصر در دایره زوجیت می‌داند و اهتمام به توسعه آن در جهت محو فحشا در داخل محدوده زوجیت دارد و دیگری، زوجیت را مانعی برای آزادی روابط جنسی فرا زوجیتی نمی‌داند.

آماج ضرر تجاوز جنسی در وهله اول قربانی می‌باشد (صدمه در تجاوز جنسی معطوف به قربانی جرم است، که بزه دیده مستقیم آن محسوب می‌شود). در وهله دوم، افراد مرتبط با قربانی (تجاوز جنسی به یکی از اعضا خانواده می‌تواند صدمات شدیدی به حیثیت خانوادگی آن‌ها وارد آورد)؛ در وهله سوم، جامعه (جامعه، مسئولیت تأمین امنیت اعضاء خود را دارد، زمانی که فردی از افراد جامعه مورد تجاوز قرار می‌گیرد، کل جامعه آسیب می‌بیند، هم از این جهت که، دیگر اعضاء احساس ناامنی می‌کنند و هم از این حیث که ارزش‌های اخلاقی جامعه زیرپا نهاده شده است)؛ و در وهله چهارم، خود متجاوز به این توضیح که در قرائت اسلامی متجاوز در این جرم نیز یکی از آسیب‌دیدگان این رفتار است، چرا که در کنار فشارهای عصبی و تبعات پس از تجاوز برای آرامش خود، بالاترین داریی خود یعنی حیات را در صورت دستگیری از دست می‌دهد.

در تطبیق اصل صدمه در قرائت لیبرالیستی، با صدمات فوق و سپس بررسی قاعده لاضرر در فقه، و استنتاج منع و لزوم جرم‌انگاری آن، از سوی قوای حاکم، برای تبیین اصل مذکور لازم به ذکر است که، «تنها رفتارهایی باید ممنوع و یا مجازات مواجه شود که ضررمادی و خارجی به افراد دیگر برساند» اما اینکه چه ضرری و تا چه اندازه‌ای باید باشد، اگر رفتار فرد برای دیگران ناخوشایندی شدید و ناراحتی غیرقابل تحملی ایجاد نمود، مجوزی برای ممنوعیت و جرم‌انگاری آن رفتار ایجاد خواهد شد. در واقع، اصل ضرر از این منظر، تابع واکنش دیگران در قبال آن رفتار است، به این توضیح که، در تجاوز جنسی آثار بسیار ناراحت‌کننده‌ای، در ابعاد جسمی، روحی و اجتماعی برای قربانی به بار می‌آورد، بنابراین مبنای معقولی برای جرم‌انگاری از سوی هیات حاکمه دارد. در مورد قاعده لاضرر، نظر دیگری که می‌تواند مبنای جرم‌انگاری تجاوز جنسی را ترسیم کند، نظری است که امام خمینی پس از نقل دیدگاه‌های یاد شده، اذعان می‌دارد، ایشان می‌فرمایند: در این دیدگاه نفی «لا» به معنای نهی الهی، تا لاضرر حکم شرعی الهی باشد، بلکه نهی سلطانی و حکومتی است. چه اینکه لای مذکور در «لاضرر و لاضرار» لای نفی جنس نمی‌تواند باشد؛ چون در واقع وجود ضرر در این جرم محقق است. لای نهی الهی هم نمی‌تواند باشد چون حکم الهی در مورد ضرر وارد نشده است؛ لذا لای مذکور نهی پیامبر است اما نه در باب قضاوت و رفع خصومت، چون در مقام رفع خصومت هم وارد نشده است بلکه نهی حکومتی و اجرایی است. این نهی از پیامبر اکرم (ص) به سبب آنکه رهبر و حاکم بوده صادر شده است. بدین ترتیب، می‌توان اذعان داشت، حاکم اسلامی با مشاهده فعل ضرری و اینکه برای جامعه از باب تجری و اشاعه چنین رفتارهای مضر است، می‌تواند با توجه به قاعده لاضرر از آن ممانعت به عمل آورد. البته در مورد تجاوز جنسی با توجه به اینکه زنا و لواط مورد نهی الهی است و تجاوز جنسی هم نوعی از آن‌هاست و آیه مبارکه 33 سوره نور می‌فرماید: «وَلَا تَكْرَهُوا قَتْلَٰتِكُمْ عَلَی الْبِغَآءِ» ممکن است لای «قاعده لاضرر» لای نهی الهی باشد.

یکی از تقسیم‌بندی‌های جرایم، تقسیم آن به جرم عمدی و غیر عمدی است که بر اساس عنصر معنوی و قصد مجرمانه صورت می‌گیرد و همان‌گونه که دیدیم این تقسیم‌بندی به صراحت ق.م.ا سال 92 پیش بینی شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 که منسوخ شد به این تقسیم‌بندی در قسمت مقررات عمومی اشاره نکرده بود بلکه در مواد 205 و 206 که مربوط به قتل بود به مصادیق قتل عمدی و غیر عمدی پرداخته بود.



یکی از مباحث دیگر که مربوط به عنصر معنوی است و در قانون مجازات اسلامی 92 مسکوت مانده است تأثیر انگیزه در مسئولیت کیفری است، انگیزه علتی است که فاعل را به سمت جرم می کشاند یا هدفی است که فاعل در نظر دارد. مواد مربوط به شروع به جرم و شرکت در جرم مربوط به عنصر مادی جرم است. قانون مجازات اسلامی سال 92، سه ماده را به آن اختصاص داده آنچه برداشت می شود اینکه در حقوق جزایی انگلستان، شروع به جنایت و شروع به جنحه، جرم محسوب می شود اما شروع به خلاف عنوان مجرمانه ای نخواهد داشت. در تعهدات کشور ما هم شروع به جرایم حدود، قصاص و تعزیر درجه یک تا پنج، جرم قلمداد خواهد شد. نکته اینکه در هر دو قانون، شروع به جرایم غیر عمدی، جرم نخواهد بود. ق.م.ا سال 92 بحث مشارکت در جرم را مطرح نموده است. شرکت در هر جرم، مباشرت در جرم است و فقط از نظر تعداد مرتکبان با یکدیگر تفاوت دارند. مهم ترین ملاک برای تمایز مباشرت و شرکت در جرم، اصلی و فرعی بودن نقش مرتکب است. یعنی مباشرت نقش اصلی داشته و شریک نقش فرعی دارد. به عنوان مثال: اگر مدیرعامل و رئیس هیات مدیره چک پرداخت نشدنی را امضاء کرده باشند، مدیرعامل مباشر بوده و رئیس هیات مدیره شریک است، به هر روی تشخیص اصلی و فرعی بودن مسئله مهمی است.

ضمن اینکه در بحث عنصر مادی و روانی این نکات را هم باید در نظر داشت که برای تحقق مشارکت در جرم، دو شرط باید وجود داشته باشد، تعدد مجرمانه و وحدت جرم، وحدت جرم با: وحدت مالی و وحدت معنوی تحقق می یابد. وحدت مادی یعنی اینکه نتیجه جرم، واحد باشد و میان اعمال ارتكابی به این ارتباط وجود داشته باشد. وحدت معنوی به معنای آنست که همه شرکت کنندگان در جرم با قصد و توافق، مرتکب جرمی شده باشند و بنابراین علیرغم پیش بینی قانونی شرکت در جرائم غیر عمدی در قوانین جزایی اکثر کشورها اما به هر روی مشارکت در جرائم غیر عمدی با اشکال روبروست. حقوق جزایی انگلستان، صرفاً معاونت در جنایت و جنحه را پذیرفته است در نتیجه معاونت در خلاف جرم قلمداد نمی شود. حال آنکه در قانون مجازات اسلامی سال 92 معاونت در همه جرائم (حدود، قصاص و تعزیرات) و بطور کلی در تمامی جرائم عمدی قابل تصور است. (در هر دو قانون، معاونت در جرائم غیر عمدی پذیرفته نشده است). در حقوق جزایی انگلستان، کیفر معاون برگرفته از نظام یگانگی مجازات معاون و مباشر، همان کیفر مباشر می باشد. در ق.م.ا سال 92 کیفر معاون وفق نظام دو گانگی، اصولاً خفیف تر از کیفر مباشر می باشد.

منابع و مأخذ
الف: فارسی
۱-کتاب ها

- 1- آشوری، محمد، 1376، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش.
- 2- آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، 1383، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
- 3- آنریکو فری، 1400، جامعه شناسی کیفری، مترجم: حمیدرضا آدابی، تهران، انتشارات مجد.
- 4- ابراهیمی، شهرام، 1390، جرم شناسی پیشگیری، تهران، انتشارات میزان.
- 5- احمدی، حبیب، 1384، جامعه شناسی انحرافات، تهران، نشر سمت، چاپ اول.
- 6- اردبیلی، محمدعلی، 1390، حقوق جزای عمومی، جلد 1، تهران، انتشارات سمت.
- 7- انیس، ابراهیم، 1393، المعجم الوسیط، مترجم: محمد بندریگی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- 8- اوحدی، بهنام، 1380، تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، تهران، نشر مؤلفه.
- 9- ابیراهمس، دیوید، 1371، روانشناسی کیفری، مترجم: پرویز صانعی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- 10- تیبیت، مارک، 1384، فلسفه حقوق، مترجم: حسن رضایی خاوری، مشهد، مؤسسه فرهنگی قدس.
- 11- حکمت، سعید، 1370، روانپزشکی کیفری، تهران، نشر گوتنبرگ، چاپ اول.
- 12- حمیدی، فریده، 1385، حقوق زنان «حقوق بشر»، تهران، انتشارات رونگران و مطالعات زنان.
- 13- خمینی، روح الله، 1365، تحریر الوسیله، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- 14- دادستان، پری رخ، 1386، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- 15- دهخدا، علی اکبر، 1325، لغتنامه فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- 16- ستوده، هدایت اله، 1387، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران، نشر آوای نور، چاپ سوم.
- 17- شمس نائری، محمدابراهیم، 1378، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- 18- صابری، سیدمهدی، 1384، نگرشی نو به روانپزشکی قانونی، تهران، نشر تیمورزاده، چاپ اول.
- 19- مساواتی آذر، مجید، 1374، جامعه شناسی انحرافات، تبریز، نشر نوبل، چاپ اول.
- 20- معتمدی مهر، مهدی، 1380، حمایت از زنان در برابر خشونت در سیاست جنایی انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات برگ زیتون.
- 21- مولاردی، شهیندخت، 1385، کالبدشکافی خشونت علیه زنان، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.
- 22- میر محمد صادقی، حسین، 1388، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم.
- 23- میل، جان استوارت، 1375، درباره آزادی، مترجم: جواد شیخ الاسلامی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- 24- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، 1381، تقریرات جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد، قم، مجتمع عالی قم.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



- 25-.....، 1383، «پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی» مجموعه مقالات در تحلیل از محمد آشوری»، تهران، انتشارات سمت.
- 26-نیکخو، محمدرضا، 1381، زندگی جنسی مردان، تهران، انتشارات رشد، چاپ چهارم.
- 27-ولیدی، محمد صالح، 1394، حقوق جزای اختصاصی «جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- 28-هاشمی فرد، میراحمد، 1348، مسائل و اختلالات جنسی در مرد و زن، تهران، نشر چهر، چاپ اول.

2-مقاله ها

- 1-اسلامی، سیدحسن، 1384، «رہیافت های اخلاقی به سقط جنین»، تهران، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره 24.
- 2-بختیاری، آمنه، 1383، زن و خشونت در رسانه های غربی، تهران، مجله پژوهش، شماره 38.
- 3-برهانی، محسن، 1388، «سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم.
- 4-حاجی ده آبادی، محمدعلی، 1386، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، تهران، مجله فقه و حقوق.
- 5-حبیب زاده، محمدجعفر و زینالی، امیرحمزه، 1385، «درآمدی بر محدودیت های علمی جرم انگاری»، تهران، نامه مفید (حقوقی)، جلد اول، شماره 49.
- 6-حاک، روناک، 1387، «جرم انگاری تجاوز جنسی در حقوق بین الملی کیفری» مجله حقوقی بین المللی، سال بیست و پنجم.

ب: عربی

- 1-ابن اثیر، مجدالدین، 1367، النہایہ فی غریب الحدیث و الاثر، قم، چاپ اسماعیلیان.
- 2-ابن مکی، شمس الدین ابی عبدالله محمد، 1372، اللعۃ الدمشقیہ، قم، چاپ یلدا.
- 3-اصفہانی، راغب، 1374، المفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالعلم و دارالاسلامیہ، چاپ اول.
- 4-انصاری، شیخ مرتضی، 1368، مکاسب، جلد سوم، بیروت، مؤسسہ النعمان.
- 5-حر عاملی، محمدین حسن، 1359، وسایل الشیعہ، جلد بیست و چهار، تهران، انتشارات درارلکتاب، چاپ پنجم.
- 6-عودہ، عبدالقادر، 1373، التشریح الجنایی، جلد اول، بیروت مؤسسہ الرسالہ، چاپ سیزدهم.
- 7-مصطفوی، سید محمد کاظم، 1370، القواعد، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، چاپ چهارم.
- 8-مطهری، مرتضی، 1359، نظام حقوق زن در اسلام، جلد نوزده، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
- 9-مکارم شیرازی، ناصر، 1363، القواعد الفقہیہ، قم، مدرسہ الامام امیرالمؤمنین.

ج: لاتین

- 1-Abbey, Antonia; Zawacki, Tona; Buck, Philip O.; Clinton, A. Monique; and McAusla, Pam (2001), ((Alcohol and swxual assault)), Alcohol Research andHealth, 25, p 43-51.
- 2-Albee, George W.; Melissa, Perry (1998),((Economic and social causs of sexism and of the exploitation of women.)),Journal of community & applied social psychology, 8, p 145-160.
- 3-Ashworth, A., Principles of Criminal Law, 5th ed., New York, Oxford University Press,2006.
- 4-Australian Institute of Criminology, Preventing Crime in Australia 1990-2002, 2009.
- 5-Bantham, Jeremy (1969), Introduction to the principle of morals and Legislation, Oxford University Press.
- 6-Baron, Larry, et al, "Four Theories of Raps: A Macro Sociological Analysis", Social Problems, No. 5, December 1987.
- 7-Carrabine, Eamonn, et al, Criminology, New York, Poutledge, 2004.
- 8-Cavendish Lawcard Series, Criminal Law, 5th ed., London, Rutledge, 2006.
- 9-Clarkson, CMV, Understanding Criminal Law, 4th ED., London, Thomson,
- 10-Deutsch, Schneider (2006), Woman, War & Darfur: Implementing & Expanding Gender Violence Justice, Revue Asylon.
- 11-Duncan, Chappell, Rape, Violence Prevention today, No.1, October
- 12-Elliott, C., et al., Criminal Law, 8th ed., London, Pearson, 2010.
- 13-Feinberg, Joel (1985), Offence to ithers, New York: Oxford University Press.
- 14-Grander, Thomas, et al., Criminal Law. 9th ed., London, Thomson,
- 15-Green, Gillian, "Rape Myths", California Coalition Against Sexual Assault,
- 16-Hagan, Frank, Introduction to Criminology, 5th ed., Belmont, Wadsworth, 2002.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهوی حقوقی پژوهشی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



Rape as a Violation of Women's Right to Sexual Health (Preventive & Coping Mechanisms in Iran & England)

Mohammad Haj Ali Akbari

Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
mohammadhajaliakbari19@gmail.com

Abstract

Sexual assault, in other words, rape, is a global phenomenon that is more or less observed in all countries of the world. In most cases, such crimes have negative consequences on the victim, many negative effects on the people around him and finally on the society. The victims of this category of crimes have a wide range of criminal and physically abusive acts and are involved in the occurrence of these crimes, and different solutions have been presented by lawyers and sociologists to prevent them from happening; But one of the main issues of the society's reaction to this category of crimes creates this concern, so that lawyers and legislators try to set comprehensive rules and obstacles in dealing with this category of crimes, and this requires comparative study and imagination. exist in different criminal systems and compare the positions adopted by them to obtain a suitable and comprehensive approach and approve a perfect or less perfect law to react against the occurrence of these crimes; In order to prevent the commission of these crimes in a more efficient way and to properly protect the rights and freedoms of the victims of these attacks.

Keywords: Rape, Sexual Health, Female, Prevention, Iran Law, English Law.